

بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زنان و مردان در شرف طلاق و سازگار

مهوش رقیبی^۱ و مریم قره چاهی*^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی ابعاد گوناگون هوش هیجانی و هوش معنوی در زنان و مردان در شرف طلاق و سازگار انجام شده است. با این هدف از بین مراجعین به دادگستری شهرستان زاهدان تعداد ۴۵ نفر (۳۰ زن و ۱۵ مرد) از زوج های متقاضی طلاق و ۵۰ نفر (۳۱ زن و ۱۹ مرد) به عنوان زوج سازگار به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن و پرسشنامه هوش معنوی کینگ استفاده شد. برای تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون و آزمون T استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج های سازگار ($r=0.37^{**}$, $p=0.04$) و در شرف طلاق ($r=0.43^{**}$, $p=0.09$) رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد بین مولفه های درون فردی و مقابله با فشار از مولفه هوش هیجانی در زوج های در شرف طلاق رابطه منفی و معنا دار وجود دارد. بنا بر نتایج این پژوهش می توان اینطور بیان کرد هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج های سازگار وضع بهتری داشته است و افرادی که زندگی شان ممکن است به طلاق منجر شود آگاهی هیجانی، خود ابرازی، احترام به خود و خودشکوفایی و استقلال کمتری دارند و تحمل مشکلات و استرس های زندگی در آن ها کم تر است.

واژه های کلیدی: هوش، هوش هیجانی، هوش معنوی، زوج های سازگار، زوج های در شرف طلاق.

۱- دانشیار گروه روان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان. ma_raghibi@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی.

*- نویسنده مسئول مقاله: maryamgharechahi@gmail.com

پیشگفتار

انسان از چند نوع هوش تحت عنوان هوش چندگانه برخوردار است که با هوش جسمی^۱ که شامل آگاهی جسمی و نحوه استفاده ماهرانه از آن است، آغاز می شود هوش بعدی هوش منطقی یا عقلانی^۲ است، هوشی که در حال حاضر بیش از سایر هوش ها در سیستم های آموزشی مورد توجه قرار می گیرد. پس از هوش منطقی یا عقلانی سطح دیگری است که به هوش هیجانی^۳ اختصاص دارد و آخرین لایه هوش معنوی^۴ است که هدایت و معرفت درونی، حفظ تعادل فکری، آرامش درونی و بیرونی و عملکرد همراه با بصیرت، ملایمت و مهربانی را شامل می شود. در مورد ارتباط هوش هیجانی با هوش معنوی می توان گفت که ما به تعدادی از مولفه های هوش هیجانی برای شروع مفید رشد معنوی خود همچون احساس خودآگاهی و همدلی احتیاج داریم (Wigglesworth; 2004).

امروزه شاهد این هستیم که در ابعاد گوناگون زندگی انواع هوش مهم و تاثیر گذار است. طبیعی است که پژوهشگران به دنبال میزان اثرات آن در آسیب های روان شناختی و اجتماعی باشند که از جمله موارد مورد توجه ازدواج و طلاق است. در جامعه ایران نیز روز به روز ازدواج های ناشاد بیش تری به طلاق ختم می شوند، هوش در زندگی زناشویی نیز مهم هست، هرنستاین (Herrnstein, 1994) و مورای (Murray, 1994) نشان دادند که یک ارتباط منفی بین هوش و طلاق در طول ۵ سال نخست ازدواج وجود دارد. در پژوهشی مشخص شد که شانس طلاق در طول ۵ سال نخست ازدواج برای افرادی با نمرات هوشبهر ۱۰۰ یا پایین تر از ۱۰۰، ۲۸ درصد است و برای افرادی با نمره هوشبهر، ۱۳۰ یا بالاتر ۹ درصد است (Dronker, 2000). همان گونه که هوشبهر (هوش شناختی) می تواند بر میزان ناسازگاری زوجین و طلاق تاثیر بگذارد، هوش هیجانی و معنوی هم در چگونگی ارتباط زوجین با هم و حل مسایل زندگی تاثیر گذار است. ارتباطات زیادی بین معنویت و بهزیستی روان شناختی و سازگاری وجود دارد، ولی راهبردهای مقابله ای و روش های حل مشکل با استفاده از معنویت در واقع کاربردهای سازگاران هوش معنوی می باشند، این ارتباط غیرمستقیم است و هوش معنوی به عنوان یک میانجی در این ارتباطات نقش دارد. به احتمال بیش تر همبستگی معنادارتری میان سطوح هوش معنوی و سازگاری وجود دارد. از دیدگاه کینگ هوش معنوی دارای چهار مولفه، تفکر وجودی، تولید معنای شخصی، بسط هشیاری و آگاهی متعالی می باشد (King & mallemy, et all., 1390; quoted by

¹ - Physical Intelligence

² - Intelligence quality

³ - Emotional Intelligence

⁴ - Spiritual Intelligence

مبانی نظری

جامعه امروز دست‌خوش تغییرات متعددی است که پیامدهای آن، گاه خود را به صورت آسیب‌های اجتماعی نشان می‌دهد. تغییرات فرهنگی و دوران گذار از دیدگاه نظریه نوسازی^۱ (غرب‌گرایی) (Luzic, 2005) و تغییرات اقتصادی، تورم و شرایط خاص مالی از دیدگاه نظریه گانگر (Babae, 2003) اشاره به تغییر الگوهای زناشویی و شرایط خاص اقتصادی دارد. نظریه بحران وجدان جمعی^۲ نیز به کاهش ارزش‌های منفی منتسب به طلاق در بین خانواده‌ها اشاره می‌کند (Sarukhani, 1997).

اودری (Udry, 1971) بر اساس نظریه تضاد ارزش‌ها کاهش پایبندی به ارزش‌های مذهبی و دینی را در افزایش طلاق مؤثر می‌داند و به نقش دین به عنوان عاملی در راه جلوگیری از طلاق اشاره می‌کند. بر اساس این نظریه افرادی که ایمان مذهبی دارند، کم‌تر به طلاق روی می‌آورند تا آنان که چنین ایمانی ندارند. با تضعیف ایمان و عدم پایبندی‌های مذهبی در بیشتر افراد و تغییر ارزش‌ها، میزان طلاق در جامعه افزایش می‌یابد. پرداختن به مسایل روان‌شناختی نیز امروزه در ارتباط با پژوهش‌های مربوط به طلاق مورد توجه واقع شده است. هوش معنوی و هوش هیجانی نیز از عوامل اثر گذار بر ارتباط بین زوجین می‌باشند. به طور کلی هوش عموماً باعث سازگاری فرد با محیط می‌شود و روش‌های مقابله با مسایل و مشکلات را در اختیار او قرار می‌دهد. همچنین، توانایی شناخت مسئله، ارائه راه حل پیشنهادی برای مسایل گوناگون زندگی و کشف روش‌های کارآمد حل مسایل از ویژگی‌های افراد با هوش است.

(Ghobaribonab, etc, 2007). هوش به توانایی انجام استدلال انتزاعی که مستلزم تبدیل‌های ذهنی بوده و بر اساس قوانین تثبیت شده انجام می‌پذیرد، اطلاق می‌شود. هوش در برگیرنده ظرفیت تفکر، برنامه‌ریزی، خلاقیت، سازگاری، حل مسئله، تامل کردن، تصمیم‌گیری و یادگیری است که از ویژگی‌های هوش معنوی نیز بشمار می‌روند (Nobel, 2000; Amonz, 2000; Sisk, 2001; Nasel, 2004; King, 2007 quoted by Afrooz, Hooman, Mohammadi, 2009).

مفهوم هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی، برای اولین بار توسط استیونز (Stivenz, 1996) و سپس ایمونز (Emonz, 1999) مطرح شد. معنویت امری همگانی است و همانند هیجان، درجات و جلوه‌های گوناگونی دارد؛ ممکن است هشیار یا ناهشیار، رشد یافته یا غیر رشد یافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده، مفید یا خطرناک باشد. (Vegan, 2002; quoted by

¹ - Modernization Theory

² - theory of collective conscience

³ - Theory of Value Conflict

(Ghobaribonab, etc, 2007). بر اساس تعریف هوش، معنویت ممکن است امری شناختی-انگیزشی باشد که مجموعه‌ای از مهارت‌های سازگاری و منابعی را که حل مسئله و دستیابی به هدف را تسهیل می‌کند معرفی می‌نماید (Sisk, 2002; Volman, 2001 quoted by Ghobaribonab, etc, 2007). رفتارهای مذهبی ارزش مثبتی در پرداختن به نکات معنادار زندگی دارند. رفتارهایی از قبیل توکل به خدا و... می‌توانند از طریق امید و تشویق به نگرش مثبت در زندگی موجب آرامش درونی شود. باور به حضور قدرت اعظم موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و تا حد زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت تنش زارا کاهش می‌دهد. گفته می‌شود مذهب به شیوه فعالی می‌تواند در فرایند مقابله موثر باشد. تفاوت در نگرش‌های مذهبی مهم‌تر از اعمال مذهبی می‌تواند سلامت روانی افراد را پیش بینی کند که نشان دهنده این است که نگرش‌ها مهم‌تر و تعیین کننده تر از رفتارهای مذهبی هستند. (Francis et al, 2004; quoted by Kajbaf & reeispour, 2009).

نظریه پردازان هوش هیجانی بر این باورند، که بین هوش هیجانی و قدرت مقابله با موقعیتهای مخاطره آمیز رابطه مثبت وجود دارد (Salovey, Bedell, Detweiller, & Mayer, 1999). اصطلاح هوش عاطفی برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط دو روان شناس به نام‌های جان مایر و پیتر سالووی مطرح شد. مایر و سالووی (Mayer, Salovey, 2000) اظهار داشتند، کسانی که از هوش هیجانی برخوردارند، می‌توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کرده، بین پیامدهای مثبت و منفی عواطف تمایز گذارند و از اطلاعات عاطفی برای راهنمایی فرایند تفکر و اقدام‌های شخصی استفاده کنند. دانیل گلمن صاحب نظر علوم رفتاری و نویسنده کتاب «کار کردن به وسیله هوش هیجانی» نخستین کسی بود که این مفهوم را وارد عرصه سازمان نمود. گلمن هوش هیجانی را استعداد، مهارت و یا قابلیت دانست که عمیقاً تمامی توانایی‌های فردی را تحت الشعاع قرار می‌دهد این توانایی‌ها عموماً مربوط به ادراک، تنظیم و اداره هیجان‌ها و قابلیت استفاده یا پیدا کردن علتی برای هیجان‌ها در افکار است. (quoting by Palmer, Walls, Burgess, Stough, 2001). بنابراین، هر گاه افراد تعهد لازم به یکدیگر را نداشته باشند، شناسایی و مدیریت احساسات خود و دیگران، یعنی توجه را از دست می‌دهند ما حاصل این فرایند، کاهش آستانه تحمل، افزایش پرخاشگری و تمامی چیزهایی است که می‌تواند موجب تنش‌های ناشویی شود (Shamsaei, Nickkhah, Jadidi, 2007). با توجه به اهمیت هوش هیجانی و هوش معنوی، در این پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته شده است که آیا بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج‌های در شرف طلاق و زوج‌های سازگار تفاوت معناداری وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

اگر توانایی بهره گرفتن از منابع معنوی را به عنوان یک هوش قلمداد کنیم، پس این توانایی بایستی در حل مسائل زندگی و رسیدن افراد به اهداف کمک نماید و منجر به سازگاری بهتر آنان گردد، سیسک و تورنس (Sisk, Torrence; 2001) سعی کردند با آموزش، تفکر هدفمند، تشخیص ارزش‌ها، مسئولیت پذیری در برابر اهداف، معنایابی در زندگی، توجه به عشق و محبت به دانش آموزان در رشد هوش معنوی کمک کنند. (quoted by Rajai; 2011).

رحمانی و قیصری پور (Rahmani, Gheisari pour; 2007) در پژوهشی به بررسی رابطه بین هوش هیجانی با رضایت‌مندی زناشویی در زوج‌های ۳۰-۵۰ ساله شهر تهران پرداختند و تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین هوش هیجانی و رضایت‌مندی ارتباط معناداری وجود داشت.

تیرگری و همکاران (Tirgari, et all, 2006) نیز سطوح هوش هیجانی و رضایت‌مندی زناشویی و رابطه ساختاری آن‌ها را در زوج‌های ناسازگار مقایسه کردند و نشان دادند که بین مولفه‌های هوش هیجانی و رضایت از زندگی رابطه مثبت معناداری وجود دارد، این بررسی نشان داد که کفایت‌های هیجانی، سازه‌ای بنیادین و اثرگذار بر بهبود و تقویت روابط زناشویی می‌باشد.

نادری و همکاران (Naderi, et all, 2008) در پژوهشی با هدف بررسی ارتباط هوش معنوی و هوش هیجانی بر رضایت از زندگی سالمندان نشان دادند متغیرهای هوش معنوی و هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی هستند.

اهمیت مولفه‌های هوش هیجانی در سازگاری زناشویی را این‌گونه می‌توان عنوان کرد که رابط صمیمانه زوجین، به مهارت‌های ارتباطی آن‌ها مثل توجه به مسایل از دید همسر، توانایی درک همدلانه آنچه همسر توجه کرده است، حساس و آگاه بودن از نیازهای او بستگی دارد. (Gatman and et all, 1994; quoted by Mohseniean, and et all; 2007) همکاران (Sanamnejad, et all, 2011) در پژوهشی که با هدف بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و خودپنداره در افراد با و بدون شکست در عشق انجام دادند، دریافتند که افراد دارای شکست در عشق سطوح کم‌تری از هوش هیجانی و خودپنداره را نسبت به افراد بدون شکست در عشق دارند و در مولفه‌های هوش هیجانی بین دو گروه تفاوت معنی‌داری در خودشکوفایی، ارزیابی واقعیت، کنترل تکانه، حل مسئله، تحمل استرس، شادکامی و انعطاف‌پذیری وجود داشت که این نتایج می‌تواند در تشخیص و خدمات درمانی توسط روان‌شناس و مشاور بکار برود.

احدی و همکاران (Ahadi, et all, 2010) نیز در پژوهشی که با هدف بررسی ارتباط هوش هیجانی، سبک اسناد و خودکارآمدی با رضایت از زندگی در زنان شاغل انجام دادند، دریافتند که بین هوش هیجانی و خودکارآمدی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

بدیع و همکاران (Badei, etc, 2010) در پژوهشی که با هدف بررسی رابطه بین هوش معنوی و رضایت زناشویی در کارکنان ادارات شهر اهواز انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بین هوش معنوی (و همچنین مؤلفه های تفکر و بعد اعتقادی، توانایی مقابله و تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی) با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنی داری وجود نداشت. تنها بین هوش معنوی در زمینه خودآگاهی، عشق، علاقه و رضایت زناشویی کارکنان مرد رابطه مثبت و معنی داری مشاهده شد. به بیان دیگر، افزایش هوش معنوی در زمینه خودآگاهی و عشق و علاقه کارکنان مرد با افزایش رضایت زناشویی آنان همراه بود.

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کفایت‌های عاطفی، توان تحمل‌تندیگی و حل مشکلات روزانه را افزایش می‌دهد و نقش به‌سزایی در کاهش تعارضات زناشویی و رضایت از زندگی ایفا می‌کند.

مایر و همکاران (Mayer, et all; 2000)، مطرح می‌سازند که ابعاد مهم هوش هیجانی، اطمینان به خود، خوش بینی و تعادل هیجانی است. افراد دارای هوش هیجانی بالا، خودکنترلی و خودانگیزی بالایی دارند، زندگی آن‌ها معنادار است و اصولی و مسئولیت پذیر هستند، عواطف خود را به درستی ابراز می‌کنند، قانع و نسبت به دیگران حساس و مراقب هستند، زندگی هیجانی پربار و متعادلی دارند، خودانگیخته و بانشاط هستند و تجارب جدید را می‌پذیرند.

فینچام و استیون (Fincham & Steven; 2004)، در پژوهشی با هدف بررسی بخشودگی در ازدواج دریافتند که بخشودگی و آموزش آن می‌تواند بسیاری از تعارضات زوج‌ها را کاهش داده و مهارت‌های حل مسئله آن‌ها را در آنان افزایش دهد.

هالی، یابیکو و بنین (Holley, Yabiku, Benin; 2006)، در پژوهشی که با هدف بررسی ارتباط بین هوش و طلاق انجام دادند، بین عامل هوش هیجانی و میزان طلاق رابطه معناداری یافتند.

یافته‌های پژوهش اسمیت، کیاروچی و هیون (Smith, Ciarrochi, Heavm; 2008) در نمونه‌ای مشتمل بر ۴۵ زوج، بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری نشان داد.

تروهان (Trohan, 1985)، بر این باور است افرادی که افکار مذهبی دارند به احتمال زیاد، نگرش منفی تری نسبت به طلاق دارند و میزان طلاق در آن‌ها کم‌تر است (Aldous, 1983; Booth, et al, 1995).

میزان طلاق در افرادی که گرایش مذهبی ندارند بیش‌تر است اگر چه تفاوت در میزان طلاق در بین مذهب‌های گوناگون قابل توجه نمی‌باشد (Call & Heaton; 1997).

نتایج پژوهش کوردوا، جی و وارن (Cordova, Gee, Warren; 2005) که با هدف بررسی نقشی که مهارت‌های عاطفی بویژه توانایی درک و ارتباط عاطفی در حفظ سازگاری ازدواج بازی می‌کند

(از راه تاثیر خود بر فرایند صمیمیت) انجام شد، نشان داد که توانایی درک و ارتباط عاطفی با سازگاری زناشویی خود و همسر مرتبط است. هم‌چنین، در توانایی ارتباط عاطفی و نیز در رابطه بین ارتباط عاطفی و سازگاری زناشویی همسران، تفاوت‌های جنسیتی مشاهده شد.

گالمن (Goleman ; 1995) در پژوهشی نشان داد یافتن نشانه‌های بی‌کفایتی عاطفی، خطوط فکری یا رفتار اشتباهی که می‌تواند یک زوج را به سوی تعارض یا جدایی سوق دهد، نقش حیاتی هوش هیجانی را در بقای ازدواج و رابطه زناشویی به اثبات می‌رساند. در صورتی که یکی از زوجین یا هر دوی آن‌ها کاستی‌های خاصی در مولفه‌های سازنده هوش هیجانی خود داشته باشند، احتمال عمیق‌تر شدن شکاف‌های عاطفی بین آن‌ها افزایش خواهد یافت، و در نهایت، این وضعیت موجب آسیب‌پذیری و گسستن پیوند آن‌ها می‌شود (Goleman , 1995; quoted by Tigrari et al, 2006).

نتایج پژوهش ساندرا و هوگای (Saundra, Hughey;2003) در بررسی رابطه بین معنویت و رضایت از زندگی زنان آفریقایی آمریکایی نشان داد زنانی که مذهبی‌تر هستند از رضایت زندگی بالاتری برخوردار هستند.

بریست و همکاران (Brist at all, 2001)، بر این باورند که هوش هیجانی یا لاقول برخی از جنبه‌های آن ظرفیت غنی‌سازی یک ازدواج توأم با سازگاری و رضایت مطلوب و اثبات را داراست. آنان بر این باورند که توانایی درک و پذیرش افکار، احساس‌ها و عواطف یک‌دیگر در زندگی زناشویی، با احساس رضایت‌مندی بیش‌تری همراه است، و افرادی که از سطوح هوش هیجانی بالاتری برخوردارند در مقایسه با افراد با هوش هیجانی پایین، رضایت‌مندی زناشویی بیش‌تری را تجربه می‌کنند (quoted by Rajabi, Ghorbani, khojasteh Mehr; 2011). هم‌اکنون طلاق یکی از معضلات بزرگ جامعه است و هر روز بر میزان از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها افزوده می‌شود با توجه به این مورد این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زنان و مردان در شرف طلاق و سازگار انجام شده است.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- آیا بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج‌های سازگار ارتباط معناداری وجود دارد؟
- ۲- آیا بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج‌های متقاضی طلاق ارتباط معناداری وجود دارد؟
- ۳- آیا بین هوش هیجانی در زوج‌های متقاضی طلاق و زوج‌های سازگار تفاوت معناداری وجود دارد؟

- ۴- آیا بین هوش معنوی در زوج های متقاضی طلاق و زوج های سازگار تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۵- آیا بین مولفه های هوش هیجانی با هوش معنوی در زوج های ناسازگار ارتباط معناداری وجود دارد؟
- ۶- آیا بین مولفه های هوش هیجانی با هوش معنوی در زوج های سازگار ارتباط معناداری وجود دارد؟
- ۷- کدام یک از مولفه های هوش هیجانی نقش تعیین کننده تری در پیش بینی هوش معنوی در زوج های متقاضی طلاق دارد؟
- ۸- کدام یک از مولفه های هوش هیجانی نقش تعیین کننده تری در پیش بینی هوش معنوی در زوج های سازگار دارد؟

روش پژوهش

پژوهش از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری شامل کلیه زوج های متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگستری شهرستان زاهدان می باشند. روش نمونه گیری به این صورت بود که با مراجعه به دادگستری شهرستان زاهدان به روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۴۵ نفر از زوج هایی که برای طلاق به دادگاه مراجعه کرده بودند و ۵۰ نفر از زوج های سازگار نیز برای گروه کنترل به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه ۹۰ پرستی هوش هیجانی بار- آن و پرسشنامه هوش معنوی کینگ استفاده شد. در پژوهش حاضر جهت تعیین پایایی پرسشنامه های هوش هیجانی و هوش معنوی از آلفای کرونباخ استفاده شد که آلفای کرونباخ پرسشنامه های مورد نظر به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۷ بدست آمد. پس از جمع آوری پرسشنامه از افراد نمونه، داده ها جهت تجزیه و تحلیل وارد نرم افزار SPSS شد و از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون T مستقل و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن^۱: در این پژوهش از پرسشنامه ی هوش هیجانی بار- آن استفاده شد.

در روش نمره گذاری هوش هیجانی به ۵ خرده مقیاس تقسیم شده است، مقیاس مهارت های درون فردی که شامل خرده مقیاس های آگاهی هیجانی، خود ابرازی، احترام به خود، خودشکوفایی و استقلال است. مقیاس مهارت های بین فردی شامل خرده مقیاس های همدلی، مسئولیت پذیری

¹ - Bar- on s Emotional Intelligence

اجتماعی و روابط بین فردی؛ مقیاس مقابله با فشار (کنترل استرس) شامل خرده مقیاس های تحمل استرس و کنترل تکانه؛ مقیاس سازگاری شامل خرده مقیاس های انعطاف پذیری، حل مسئله و واقعیت سنجی و مقیاس خلق کلی شامل خرده مقیاس های شادی و خوش بینی می باشد. پایایی این آزمون به روش زوج- فرد ۰/۸۸ گزارش شده است. در پژوهش حاضر پرسشنامه نهایی برای ۵۰ نفر از زوج های سازگار و ۴۵ نفر از زوج های نا سازگار انجام شد و ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه و ضریب ۰/۸۸ به دست آمد.

پرسشنامه هوش معنوی کینگ^۱: این پرسشنامه که به وسیله دیوید بی کینگ (King DB, 2008) ساخته شده است دارای ۲۴ آیتم می باشد و بر اساس مقیاس ۵ گزینه ای لیکرت پر می شود. نمره های بالا نشان دهنده هوش معنوی بالا و یا وجود چنین ظرفیتی است. بر اساس مطالعه و تحلیل انجام یافته توسط سازنده، چهار عامل: تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و توسعه سطح هوشیاری شناسایی گردیده و ضریب پایایی کل آزمون و زیر مقیاس ها بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۸۸، ۰/۸۷، ۰/۸۹، ۰/۹۴ گزارش شده است. با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی^۲ در یک نمونه ۶۱۹ نفری از دانشجویان دانشگاه ترنت کانادا در سال ۲۰۰۷ آلفای کرونباخ ۰/۹۵٪ و پایایی از راه تنصیف ۰/۸۴٪ بدست آمد. در یک مطالعه دیگر با استفاده از روش روش تحلیل عاملی^۳ ۳ / آلفای کرونباخ ۰/۹۲٪ تاییدی و آلفای استاندارد شده نیز ۹۲ درصد بدست آمد. در این پژوهش پرسشنامه نهایی روی ۵۰ نفر از زوج های سازگار و ۴۵ نفر از زوج های نا سازگار انجام شد و ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه و ضریب ۰/۸۷ بدست آمد.

¹ - King s spiritual intelligence questionnaire

² - Exploratory Factor Analysis

³ - Confirmatory Factor Analysis

یافته های پژوهش

پرسش نخست: آیا بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج های سازگار ارتباط معناداری وجود دارد؟

جدول ۱- ضریب همبستگی پیرسون بین هوش معنوی و هوش هیجانی در زوج های سازگار

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
هوش معنوی	هوش هیجانی	۰/۳۷**	۰/۰۰۹	50

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می شود، ضریب همبستگی بین هوش هیجانی و هوش معنوی ($r = 0/37^{**}$) بدست آمد که با توجه به سطح معناداری ($p = 0/009$) که کوچک تر از سطح $0/05 = a$ است، می توان نتیجه گرفت رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد، یعنی بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج های سازگار ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

پرسش دوم: آیا بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج های متقاضی طلاق ارتباط معناداری وجود دارد؟

جدول ۲- ضریب همبستگی پیرسون بین هوش معنوی و هوش هیجانی در زوج های متقاضی طلاق

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
هوش معنوی	هوش هیجانی	۰/۴۳**	۰/۰۰۴	۴۵

با توجه به نتایج جدول ۲ ضریب همبستگی بین هوش هیجانی و هوش معنوی ($r = 0/43^{**}$) بدست آمده که با توجه به سطح معناداری ($p = 0/004$) که کوچک تر از سطح $0/05 = a$ است، می توان نتیجه گرفت رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. یعنی بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج های در شرف طلاق ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

پرسش سوم: آیا بین مولفه های هوش هیجانی با هوش معنوی در زوج های سازگار ارتباط معناداری وجود دارد؟

جدول ۳- ضریب همبستگی پیرسون بین مولفه های هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج های

سازگار

	هوش معنوی	مهارت درون فردی	مهارت میان فردی	مقابله با فشار	سازگاری	خلق کلی
هوش معنوی	۱	۰/۴۳**	۰/۲۵	-۰/۱۶	۰/۹۶	-۰/۱۴
مهارت درون فردی		۱	۰/۲۷	۰/۳۴*	۰/۲۸	۰/۱۷
مهارت میان فردی			۱	۰/۲۷	۰/۲۴	۰/۲۹*
مقابله با فشار				۱	۰/۱۸	۰/۱۸
سازگاری					۱	۰/۲۳
خلق کلی						۱

نتایج جدول ۳ با استفاده از تحلیل همبستگی پیرسون در زنان و مردان سازگار نشان داد ارتباط مثبت و معناداری ($r= 0/43^{**}$, $p=0/002$) بین مولفه ی مهارت های درون فردی و هوش معنوی وجود دارد.

پرسش چهارم: آیا بین مولفه های هوش هیجانی با هوش معنوی در زوج های متقاضی طلاق ارتباط معناداری وجود دارد؟

جدول ۴- ضریب همبستگی پیرسون بین مولفه های هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج های

متقاضی طلاق

	هوش معنوی	مهارت درون فردی	مهارت میان فردی	مقابله با فشار	سازگاری	خلق کلی
هوش معنوی	۱	-۰/۳۸**	۰/۲۹	-۰/۴۵**	-۰/۱۸	۰/۱۱
مهارت درون فردی		۱	-۰/۰۸	۰/۵۵**	۰/۶۸**	۰/۳۱**
مهارت میان فردی			۱	-۰/۲۳**	۰/۰۷	۰/۱۳
مقابله به فشار				۱	۰/۴۵**	۰/۰۵
سازگاری					۱	۰/۵۵**
خلق کلی						۱

نتایج جدول ۴ نشان می دهد با توجه به ضریب همبستگی پیرسون نمرات کلی هوش معنوی رابطه منفی و معناداری با مهارت‌های درون فردی شامل آگاهی هیجانی، خود ابرازی، احترام به خود، خودشکوفایی و استقلال ($r = -0/38^{**}$, $p = 0/01$) و مقابله با فشار که شامل تحمل استرس و کنترل تکانه ($r = -0/45^{**}$, $p = 0/002$) می باشد، وجود داشت و با بقیه مولفه های هوش هیجانی ارتباط معناداری وجود نداشت.

پرسش پنجم: آیا بین هوش معنوی در زوج های متقاضی طلاق و زوج های سازگار تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۵- آزمون t مستقل برای مقایسه تفاوت میانگین نمرات زوج های متقاضی طلاق و سازگار

در هوش معنوی

گروه	N	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی
زوج های سازگار	۵۰	۵۱/۵۳	۱۵/۷۵	-۱۳/۴۰	۹۳
زوج های متقاضی طلاق	۴۵	۸۵/۸۲	۷/۱۵		

همان گونه که در جدول ۵ مشاهده می شود تفاوت معناداری در هوش معنوی در زوج های سازگار و متقاضی طلاق وجود داشت.

پرسش ششم: آیا بین هوش هیجانی در زوج های متقاضی طلاق و زوج های سازگار تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۶- آزمون t مستقل برای مقایسه تفاوت میانگین زوج های متقاضی طلاق و سازگار در

هوش هیجانی

گروه	N	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی
زوج های سازگار	۵۰	۲۳/۱۷	۲۸/۸۵	۶/۵۶	۹۳
زوج های متقاضی طلاق	۴۵	۲۲/۸۳	۱۹/۸۴		

همان گونه که در جدول ۶ مشاهده می شود تفاوت معناداری در هوش هیجانی در زوج های سازگار و متقاضی طلاق وجود داشت.

پرسش هفتم: کدامیک از مولفه های هوش هیجانی نقش تعیین کننده تری در پیش بینی هوش معنوی در زوج های سازگار دارد؟

جدول ۷- نتایج رگرسیون گام به گام مولفه های هوش هیجانی از روی هوش معنوی در زوج های سازگار

گام های تحلیل رگرسیون	متغیرهای وارد شده	R2 تغییر	B استاندارد شده	F	sig
۱	مهارت های درون فردی	۶/۲	۰/۷۸	۱۶/۶۶	۰/۰۰۰

برای پیش بینی مولفه های هوش هیجانی از روی هوش معنوی در زوج های سازگار از رگرسیون گام به گام استفاده گردید و نتایج نشان داد که مولفه مهارت های درون فردی وارد معادله گردید و به میزان ۲۵,۸٪ واریانس را برای نمره کلی هوش معنوی پیش بینی کرد در صورتی که مولفه های دیگر هوش هیجانی شرایط ورود به معادله را نداشتند و از معادله حذف شدند. مولفه مهارت های درون فردی رابطه مثبت و معناداری با نمره کلی هوش معنوی داشت ($\text{Beta} = 0.78, p = 0.000$)

پرسش ۸- کدامیک از مولفه های هوش هیجانی نقش تعیین کننده تری در پیش بینی هوش معنوی در زوج های متقاضی طلاق دارد؟

جدول ۸- رگرسیون گام به گام مولفه های هوش هیجانی از روی هوش معنوی در زوج های در

شرف طلاق

گام های تحلیل رگرسیون	متغیرهای وارد شده	R2 تغییر	B استاندارد شده	F	sig
۱	سازگاری	۰/۲۵	۰/۴۶	۱۴/۶۷	۰/۰۰۰
۲	مهارت های- درون فردی	۰/۰۹	۰/۳۴	۵/۴۰	
۳	مهارت های- میان فردی	۰/۰۸	-۰/۳	۶/۱۵	

برای پیش بینی مولفه های هوش هیجانی از روی هوش معنوی در زوج های در شرف طلاق از رگرسیون گام به گام استفاده گردید و نتایج نشان داد که مولفه های سازگاری، مهارت های درون فردی و مهارت های میان فردی به ترتیب وارد معادله گردید و به ترتیب به میزان ۴۶/۱ ، ۳۴/۲ و ۳ درصد واریانس را برای نمره کلی هوش معنوی پیش بینی کردند در صورتی که مولفه های دیگر هوش هیجانی شرایط ورود به معادله را نداشتند و از معادله حذف شدند. مولفه مهارت های درون فردی رابطه مثبت و معناداری با نمره کلی هوش معنوی داشت ($\text{Beta} = 0.78, p = 0.000$).

نتیجه گیری

هدف پژوهش بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج های در معرض طلاق و زوج های سازگار بود. در پاسخ به پرسش های اول و دوم پژوهش که آیا بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج های سازگار و در زوج های در شرف طلاق ارتباط معنی داری وجود دارد این یافته ها بدست آمد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج های سازگار و ناسازگار ارتباط معنی داری وجود دارد. در تبیین این یافته می توان گفت هوش هیجانی مجموعه ای از توانایی هاست که کمک می کند فرد در زندگی ارتباطی خود (افراد گوناگون از جمله همسر) رابطه ای دوستانه و مداراگرایانه برقرار کند و قابلیت است که بر سایر توانایی های فرد تأثیری عمیق، تسهیل کننده، یا بازدارنده بر جای می گذارد. افراد با هوش هیجانی بالا توانایی سازگاری با اطرافیان خود، اعتماد به نفس و خودآگاهی بالا دارند که در تعدادی از پژوهش ها از جمله این پژوهش به عنوان پیش بینی کننده ای مطمئن برای رضایت زندگی معرفی می شود نتیجه سؤال یک با پژوهش های مایر و همکاران (Mayer, et all, 2000)، رحمانی (Rahmani, Gheisari pour, 1385)، تیرگری (Tirgari, et all, 2006)، هالی (Holley, et all, 2006)، اسمیت و همکاران (Smith, et all, 2008)، گالمن (Goleman, 1995)، نادری (Naderi, 1389) و صنم نژاد و همکاران (Sanamnejad, et all, 2011) و پژوهش ساندر و هوگای همسو است (Saundra, Hughey, 2003). وجود ارتباط بین هوش معنوی و رضایت زناشویی نیز با یافته های پژوهش بدیع و همکاران (Badei, 1389) همخوان می باشد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون در پاسخ به پرسش سوم و چهارم پژوهش که به بررسی تأثیر مولفه های هوش هیجانی با هوش معنوی در زوج های سازگار و زوج های در شرف طلاق می پردازد موید این است که بین مولفه مهارت های درون فردی در زوج های سازگار با هوش معنوی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. تحلیل همبستگی پیرسون در زوج های متقاضی طلاق نشان داد نمرات کلی هوش معنوی رابطه منفی و معناداری با مهارت های درون فردی و مقابله با فشار دارد و با بقیه مولفه های هوش هیجانی ارتباط معناداری یافت نشد.

نتیجه پرسش ۵ مبنی بر وجود تفاوت بین گروه های نمونه با استفاده از آزمون t مستقل نشان دهنده تفاوت معنادار در هوش معنوی زوج های سازگار و زوج های متقاضی طلاق می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت از آنجا که فرد با ایمان دارای ارتباطات و باورهای معنوی است، کم تر احساس رهاشدگی، پوچی و تنهایی می کند و هوش معنوی دسترسی انسان به معنا و ارزش و نیز استفاده از آن ها در شیوه اندیشیدن و تصمیم گرفتن را فراهم می سازد. بنابراین، به نظر می رسد افراد دارای هوش معنوی بالا کم تر دچار اختلافات خانوادگی می شوند. یافته های این

پژوهش همخوان با نتایج مطالعات رجایی (2011; Rajaei) و فابریکاتور، هندل و فضل (2000; Fabricatore, Handle, Fenzel) می باشد که تاکید بر رابطه بین معنویت با رضایت و هدفمندی زندگی، سلامت و بهزیستی دارد. نتایج این مطالعه در پاسخ به پرسش ۶ بیانگر این امر است که بین هوش هیجانی در زوج های متقاضی طلاق و زوج های سازگار تفاوت معنی داری وجود دارد با توجه به این نتایج می توان بیان نمود که هوش معنوی در زوج های در شرف طلاق نسبت به زوج های سازگار کم تر است به بیان دیگر، در این افراد توان تحمل تنیدگی ها و استرس و قدرت مقابله با سختی های زندگی کم تر است. در پاسخ به پرسش هفتم که به میزان تاثیر مولفه های هوش هیجانی در پیش بینی هوش معنوی در زوج های سازگار می پردازد نتایج رگرسیون گام به گام نشان می دهد که ارتباط معنی داری بین مهارت های درون فردی و هوش معنوی وجود دارد.

نتایج رگرسیون گام به گام مولفه های هوش هیجانی از روی هوش معنوی در زوج های در شرف طلاق نشان دهنده ارتباط منفی و معنادار در مولفه های سازگاری (انعطاف پذیری، حل مسئله، واقعیت سنجی) مهارت های درون فردی (آگاهی هیجانی، خود ابرازی، احترام به خود، خود ابرازی، احترام به خود، خودشکوفایی، استقلال) و مهارت های میان فردی (همدلی، مسئولیت پذیری اجتماعی، روابط بین فردی) می باشد. این نتایج با پژوهش کینگ (King, 2008) و فینچام و استیون (Fincham & Steven, 2004) همخوان و همسو است. به طور کلی نتایج پژوهش ها نشان می دهد افزایش کفایت های عاطفی، توان تحمل تنیدگی و حل مشکلات روزانه نقش به سزایی در کاهش تعارضات زناشویی و رضایت از زندگی ایفا می کند. بنا بر نتایج این پژوهش می توان این گونه بیان کرد که هوش هیجانی و هوش معنوی در زوج های سازگار وضع بهتری داشته است و افرادی که زندگی شان ممکن است به طلاق منجر شود آگاهی هیجانی، خود ابرازی، احترام به خود و خودشکوفایی و استقلال کم تری دارند و تحمل استرس و کنترل تکانه در آن ها کم تر است. امروزه هوش هیجانی و هوش معنوی به عنوان دو مقوله مورد بحث و تاثیر گذار در روند رفتاری افراد قابل توجه است. نتایج پژوهش حاضر موید این امر است که خانواده های سازگار در مقایسه با خانواده های در شرف طلاق از وضعیت و شرایط بهتری در این زمینه برخوردارند. از آنجایی که هوش معنوی و هیجانی تحت تاثیر آموزش قابل ارتقا و تغییر می باشد، توجه به آموزش مهارت هایی که تاثیر مثبت بر این ویژگی ها داشته باشد، می تواند در سطوح دبیرستان و دانشگاه در زمینه ی پیشگیری از آسیب های خانواده مورد نظر قرار گیرد. آموزش زوج های جوان و دانشجویان مجرد و متاهل از جمله موارد قابل بحث در ارتقاء سطح هوش

هیجانی و هوش معنوی می باشد. با توجه به آمار رو به افزایش طلاق و آسیب های ناشی از آن این موضوع در اولویت های برنامه ریزی سلامت خانواده قابل بررسی می باشد.

References

- 1- Afroz, Gh. A., Hooman, H. A., and Mahmoodi, N. (2009). Considering practicality, reliability, validity finding of spiritual intelligence in students. *Journal of Psychological Researches*, vol (1), no (3): 1-23. (Persian).
- 2- Ahadi, B., Narimani, M., Abolghasemi, Gh., and Asiaee, M. (2010). Considering relation between life satisfaction and emotional quotient and self effectiveness. *Training Studies in Psychol*, vol (10), no(1): 117-127. (Persian).
- 3- Aldous, J. (1983). *Problematic elements in the relationship between churches and families*. In W. V. D'Antonio and J. Aldous (eds.). *Families and Religions: Conflict and Change in Modern Society*. Beverly Hills, CA: Sage Publications.
- 4- Babae, F. (2003). *Structural Adjustment, Poverty, and Social Disorders*. Tehran: Desert Publication. (Persian).
- 5- Badi', A., Jalali, M., and Oboudi, S., (2010), Investigating the Correlation between Spiritual Intelligence and Life Satisfaction among Administrations' Employees in Ahvaz. Available: [http:// www. Psyche.blogfa.com/post/ 29/1389](http://www.Psyche.blogfa.com/post/29/1389). (Persian).
- 6- Booth, A., David, R. J., Branaman A., and Alan S. (1995). Belief and Behavior: Does Religion Matter in Today's Marriage? *Journal of Marriage and the Family*, 57(3):661-671.
- 7- Call, V. R., and Heaton, T. B. (1997). Religious influence on marital stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*, vol(36), no(3), pp: 382-392.
- 8- Cordova, J. V., Gee, C. G., and Warren, L. Z. (2005). Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 24: 218 - 235.
- 9- Dronkers. J. (2000). Is there a relation between divorce risk and intelligence? Evidence from the Netherlands? *European University Institute, Italy*.1-18.
- 10- Fabricatore, A., Handle, P., and Fenzel, M. (2000). Personal spirituality as a moderator between stressors and subjective well – being. *Journal of Psychology and Theology*, 28(3): 221-228.
- 11- Fincham, F., and Beach, S. (2002). Forgiveness in marriage: Implications for psychological aggression and constructive communication. *Personal relationship*, 9: 239-257.
- 12- Fincham. F. D., and Steven, R. H. (2004). Forgiveness and conflict Resolution in marriage. *Journal of family psychology*, 18: 72-81.

- 13- Ghobari bonab, B., Salimi, M., Soleimani, L., and Nori moghadam, S. (2007). Spiritual Intelligence. *Andishe-e-Novin-e-Dini*, 3(10): 125-147. (Persian).
- 14- Holley, P., Yabiku, S. T., and Benin, M. (2006). The Relationship between Intelligence and Divorce. *Journal of Family Issues*, 27(12): 1723-1748.
- 15- Kajbaf, M., and Raiespour, H. (2009). Relationship between religious attitude and mental health among female students in Isfahan. *Quarterly Islamic & Psychology Studies*, 1(2): 31-43.
- 16- King, D. B. (2008). *Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure*. Unpublished M.A. Thesis. Ontario: Trent University.
- 17- Luzic, D. (2005). *New approach in the analysis of social problems*. Translated by Moaiedfar, S. Tehran: Amir Kabir publication. (Persian).
- 18- Moallemi, S., Raghibi, M., and Salari Dargi, Z. (2010). Comparison of Spiritual Intelligence and Mental Health in Addicts and Normal Individuals. *Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences*, vol(18), no(3): 234-242. (Persian).
- 19- Mohsenian, M., Karamlou, S., & Ganajavi, A. (2007). The relationship between self-differentiation and emotional intelligence in those who seek divorce, *The Quarterly of Family Studies*, 3(12), 827-837. (Persian).
- 20- Nadery F, Asgari P, Roshani K, and Mehri Adryany M. (2008). Relationship and spiritual intelligence emotional intelligence with life satisfaction of elderly. *Journal New Findings in Psychology*. The Islamic Azad University of Ahvaz. vol(5), no(13), pp. 127-138.
- 21- Palmer, B., Walls, M., Burgess, M., and Stough, C. (2001). Emotional intelligence and effective leadership. *Leadership & Organization Development Journal*, 22(1): 5-10.
- 22- Rahmani, M., and Gheisari pour. S. (2007). Investigating the relationship between emotional intelligence and marital satisfaction in couples aged 30 to 50 in Tehran. *Abstracts for the Second National Congress of Family Pathology*. Tehran: Shahid Beheshti University. p 187.
- 23- Rajabi, Gh. R., Ghorbani, F., and Khojasteh Meher, R. (2011). A Study of the Relationship of Gender Ideology, Marital Roles, Emotional Intelligence with Quality of Life in the Married Employees of Government Offices in Shiraz. *Journal of Family Counseling & Psychotherapy*, vol(1), no (1), pp:39-53.
- 24- Rajai, A. (2011). *Spiritual intelligence: Perspectives and challenges*. *Journal of Educational*, vol(5), no(22): pp 21-49.
- 25- Salovey, P., Bedell, B.T., Detweiler, J.B. and Mayer, J. D. (1999). Coping Intelligently: Emotional intelligence and the coping process. In C.R. Snyder (Ed.), *Coping: The psychology of what works (pp. 141-164)*. New York: Oxford University press.

- 26- Sanamnejad, Gh.A., Pashavi, Gh., Oftadehal, M., Ostadhasanloo, H., Khodayarifard, M., Aryan, Kh., & Farahani, H. (2011). Emotional intelligence and self-concept in people with and without failure in love. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30: 1447 – 1451.
- 27- Sarokhani, B. (1997). *Research in understanding the reality of divorce and its agents* (2nd edition). Tehran University Press. (Persian).
- 28- Saundra, H.S., Hughey, A.W. (2003). *African American Women at Mid life: the Relationship between Spirituality and life Satisfaction*. *Journal of African American Women*, Vol (18), no (2): 133-147.
- 29- Setodeh, H. (2006). *Social Pathology (Sociology of Devience)*. Tehran: Avayenor publication. (persion).
- 30- Shamsaei, M.M., Nikkkhah, H.R., Jadidi, M. (2007). The Role of Identity and Emotional Intelligence in Marital Satisfaction. *Journal of Applied Psychology*, no(2): 57-67. (Persian).
- 31- Smith, L., Ciarrochi, J., and Heaven P.C.L. (2008). The stability and change of trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction: A one-year longitudinal study. *Personality and Individual Differences*, 45: 738–743.
- 32- Sohrabi, F. (2008). Fundamentation of Spritual Intellingence. *Quarterly Journal of Mental Health*, 1(1), 14-18. (Persian).
- 33- Tirgari, A., Asgharnezhad Fraid, A.A., Bayanzadeh S.A., and Abedin A. R. (2006). A comparison between emotional intelligence and marital satisfaction, and their structural relation among discordant and well-adjusted couples in Sari, Iran. *The Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 16(55): 78-86. (Persian).
- 34- Udry, J. R. (1971). *The Social Context of marriage* (3rd edition). New York: Academic Press.
- 35- Wigglesworth, C. (2004). *Spiritual intelligence and why It Matters*. *President Conscious Pursuits, Inc. (CPI)*, available: <http://www.innerworkspublishing.com/news/vol22/intelligence.htm>.